

ماجرای حماس و مسجد ابن تیمیه



علی مقدس

پس از درگیری مسلحانه جنبش فتح و حماس در سال 2007 که بر سر پذیرش یکی از دوگفتاها؛ صلح و سازش و یا جهاد و مقاومت علیه اسرائیل، شدت گرفته بود؛ گفتمان جهاد و مبارزه با صهیونیسم بر پیروان محمود عباس چیره گشت و در نتیجه سرنوشت غزه با مقاومت و جهاد در آمیخت و اکثر شهروندان غزه به حماس لبیک گفتند.

صهیونیست ها که از پیروزی حماس سخت به خشم آمده بودند، به این نتیجه رسیدند تا از ظرفیت مخالفان حماس و پیروان فتح و دیگر گروه های سلفی متمرکز در مناطق "خان یونس" و "رفح" در تضعیف حماس و نفوذ اسرائیل، بهره گیرند تا محاصره را بر حماس تنگ تر کنند و ابتکار عمل را از حماس بستانند. اینگونه بود که نخستین گروه مسلح سلفی تکفیری در نوار غزه در سال 2008 تحت عنوان "جند انصار[]" ایجاد شد و شهرهای خان یونس و رفح که تنها مسیر تردد حماس با خارج از فلسطین است، به محل جولان و رفت و آمد این گروه تبدیل شد.

رهبری گروه جند انصار ا[که در اختیار فردی به نام "عبداللطیف موسی" معروف به "ابو نور المقدسی" بود، مهمترین پایگاه این جریان را مسجد ابن تیمیه واقع در رفح برگزیده بود. این مسجد که به مقر مراجعه مخالفان حماس و جذب تکفیری ها بدل گشته بود همچنین به سنگری برای تبلیغ آموزه های وهابی-تکفیری و توطئه علیه سازمان حماس شهرت یافته بود.

گروه جند انصار ا[که در ابتدا با حربه و شعار «وحدت و انسجام مجاهدان اسلامی» به میدان آمد؛ اقدام به فراخوان و ارسال پیام از مسجد ابن تیمیه به مجاهدان چینی، افغانستانی، عراقی، فیلیپینی و مناطق شبه قاره نمود و سپس به مجاهدان فلسطینی از جمله جهاد اسلامی و حماس، پیام ارسال داشت که در جهت اعتلای کلمه ا[، با جنبش جند انصارا[، بیعت کنند.

پس از رو شدن دست عبداللطیف و پیروانش برای حماس، اسماعیل هنیه وجود جنبش مزبور را نه تنها برای غزه و حماس، بلکه برای فلسطین و جهان اسلام تهدید دانست، از این رو اقدام به تقابل با جند انصارا[کرد و مسجد ابن تیمیه را که پیروان عبداللطیف آن را سنگر تبلیغی و جهادی می دانستند، پایگاه نفاق و توطئه صهیونیسم برشمرد و دستور خلع سلاح این گروه را صادر کرد.

پس از صدور فرمان خلع سلاح توسط هنیه، نمازگزاران مسجد ابن تیمیه به پیروی از عبداللطیف امام جماعت و رهبر فکری خود، حماس را متهم به اندیشه های لائیک و غیردینی نمودند که حماس در صدد مشارکت مردم در همه پرسی، دموکراسی و تشکیل پارلمان است نه شریعت. پس از گذشت یک سال در سال 2008 اسرائیل فرصت را غنیمت شمرد و از فضای غبارآلود غزه که توسط قرائت های مسجد ابن تیمیه به دیگر شهرهای نوار غزه سرایت کرده بود، توانست حمله کند که در جریان حمله اسرائیل، بیانیه دیگری از مسجد ابن تیمیه منتشر شد که این گروه و پیروان آن حاضر به حمایت و جنگیدن در کنار حماس نیستند زیرا ایدئولوژی حاکم بر مسجد ابن تیمیه بر این است که نمازگزاران به کمک کافری علیه کافر دیگر نخواهند آمد، زیرا حماس کافر است.!

سرنوشت مسجد ابن تیمیه و رهبر آن به جایی رسید که در 14 آگوست 2009 عبداللطیف در خطبه های نماز جمعه این مسجد، امارت اسلامی را اعلام کرد. اسماعیل هنیه که می دانست این گروه تکفیری در صدد بی ثبات کردن امنیت غزه و پیشبرد اهداف صهیونیسم است، در تاریخ 15 آگوست 2009 یعنی یک روز بعد از اعلام امارت اسلامی توسط عبداللطیف، مسجد ابن تیمیه را در محاصره قرار داد که پس از عدم توجه به هشدارها، تکفیری های مسلح گرد آمده در مسجد، به رگبار بسته شدند و ده ها تن کشته و زخمی شدند. رهبر این گروه و ابو عبدا[سوری، یکی از لیدرهای این جماعت که در یکی از منازل سازمانی این جنبش

در رفح، سنگر گرفته بودند، توسط حماس کشته شدند.

اکنون بخش قابل توجه از پیروان "جند انصار"، در غزه پراکنده هستند و عده دیگری به سوریه مهاجرت کردند و در اردوگاه های ریزشی القاعده با بشار اسد و جبهه مقاومت می جنگند. ناگفته نماند بخشی از چالش های حماس در غزه، گروه های مشابه این چنینی هستند.!

منبع: https://AlMuslimin_Ikhwan/com.eitaa/